به‌نام خـــــدا

چاپ‌خونه
شماره ششم | زمستان ۱۴۰۰
CHAPKHOONEH ART MAGAZINE

۱| نمایشگاه حاضر
Pandora's box

جهانی که امروزه در آن زیست می‌کنیم شباهت بسیاری به دنیای مارکس دارد. پُر از رنج و فریاد. پُر از جبرهای انکارناپذیر و لبریز از غم نان. همه آن را می‌بینند. یا دیگران را مقصر می‌انگارند و یا سیاست و اقتصاد ناکارآمد را مسبب اوضاع می‌دانند. در این میان، از بزرگان یک کشور تا کوچک‌ترین عضو آن، از یاد می‌برند که تمامی این قضاوت‌ها در پی نگاه کردن و رویارویی با یک پیش‌آمد شکل می‌گیرد. رُخدادی گاه دراماتیک و گاه تراژیک. سرشار از مترادف و تضاد. نگاه می‌کنیم. زل می‌زنیم و پس از جمله‌ای در باب حکمت یا قضاوت رُخداد، سر را به‌طرف دیگر کج کرده و راه را ادامه می‌دهیم. به عقیده مارکس و به‌حکم فلسفه‌ی هنر در نگاه او، هنرمند نمی‌تواند فارغ از جهت سیاسی دوران خود، اثری را خلق کند؛ اما در این نمایشگاه با آثاری روبه‌رو می‌شوید که هنرمند همان مخاطب تیزبین رُخداد زندگی است. زندگی که بیماری و پول و توییت فرد صاحب منصبش نُقل تمام مجالس است.

هنرمند با آگاهی به تأثیر تمامی این موارد بر اندیشیدنش، همه چیز را به دقت مشاهده می‌کند. پس‌ازآن، شاید به تصویر کشیدن "عین" که نگاه سبژکتیویسم بر آن سنگینی می‌کند را برای چنین بُرهه تاریخی مؤثر بداند اما کافی نیست. عنصر گمشده‌ی نادری "امید"ی است که از پَس یک‌شب سیَه سر برمی‌آورد. هر آنچه شاهد و ناظر آن هستیم، می‌تواند در چرخش گَردون، سپیدی صبحگاهی باشد یا نفسی عمیق در دل کوه. فقط باید به‌دقت نگاه کرد.

۲| درباره هنرمند

حسین نادری، متولد ۱۳۷۰ شیراز کارشناسی مکانیک
سال ۹۴ | نمایشگاه نقاشی | گالری وصال
سال ۹۶ | اجرای تئاتر جشنواره سرباز تهران
سال ۹۷ | نمایشگاه نقاشی | گالری وصال
سال ۹۷ | نمایشگاه نقاشی | گالری موتورخونه
سال ۹۷ | نمایشگاه نقاشی خصوصی | گالری موتورخونه
سال۹۸ | نمایشگاه گروهی | گالری فرمانفرمائی تهران
سال ۹۸ | نمایشگاه گروهی در دوسالانه شین | گالری موتورخونه
سال ۹۸ | نمایشگاه نقاشی | گالری موتورخونه
سال ۹۸ | پرفورمنس | گالری موتورخونه

×| اعضاء چاپ خونه

صاحب امتیاز: خانه هنر شیراز | موتورخونه
مدیر مسئول و دبیر هنری: سپهر سیاح | ٤
سردبیر: شیدا بردبار | ۱-۲-۳
ویراستار: مرجان شعائری
گرافیست: فائزه غیثی
تصویر: پوریا زارع

۳| جستاری کوتاه درباره فلسفه هنر

در درس گفتار پیشین درباره رویکردهای زیبایی شناسانه کانت گفتیم. سیر درک و فلسفه زیبایی‌شناسی همانند و همگام بازمان، سیر پیشروی خطی را دنبال می کند و اگر بخواهیم با این قطار یک‌طرفه، تاریخ را سیر کنیم، پس از مطالعه نگاه کانت در باب زیبایی به دید گاه هگل می‌رسیم. هگل چندین مسئله‌ی اصلی را زیر سؤال می‌برد. برای مثال زیبایی‌شناسی و استتیک تنها به دانش دریافت حسی متکی است، بنابراین برای درس‌های خود از نام "فلسفه هنرهای زیبا" استفاده می کند. Geist از دیگر مفاهیم مطرح‌شده توسط هگل است. "جان" یا "مطلق"، گاه در پیکر مفاهیم دانسته می‌شود (فلسفه)؛ گاه در پیکر شهودی که هنگام به بیان آمدنش از مفاهیم نیز سود می‌جوید (دین)؛ گاه از راه شهودی که زاده‌ی ادراک حسی است (هنر). بر این اساس جان یا روح "ذهن" در سیر تاریخ شکوفا می‌شود و خود را در کالبد هنر، دین و فلسفه نمایان می‌سازد. لذا هگل گاهی هنر، دین و فلسفه را به‌عنوان طرق مترقی و رضایت‌بخش وصول به مطلق یا ماهیت اشیا معرفی می کند: هنر در شهود حسی به مطلق دست می‌یابد، دین در تخیل تجسمی (با توجه به باورهای مسیحی) و فلسفه در تفکر مفهومی. این رویکرد هگل برخلاف کانت است که معتقد بود انسان فقط از طریق شناخت محض به ادراک جهان نائل می‌شود. دیگر اینکه هگل بر این باور بود که شیوه‌های درک ما از امور ـ هنر، دین و حتی مقولات اساسی تفکر ـ در طول تاریخ و از طریق تحولات تاریخی تکامل می‌یابد. هگل همچنین "زیبایی" را عینیتی از واقعیت یا دارای موضوع محسوس می‌داند؛ مانند یک تندیس یا یک قطعه موسیقی. لذا زیبایی نمی‌تواند امری انتزاعی باشد چراکه نه‌تنها عین زیبا خود را بر حواس عرضه می کند، جان هم جلوه می‌فروشد؛ زیرا وجود حسی محض به‌خودی‌خود زیبا نیست، بلکه فقط هنگامی زیبا می گردد که ذهن، پرتو فروغ مثال را از خلال آن ببیند؛ یعنی زیبایی امری ذهنی و سوبژکتیو است.

٤| اقتصاد هنر

در سری پیشین اقتصاد هنر به رابطه‌ی جدایی‌ناپذیر سیاست و اقتصاد عمومی و بازار هنری پرداختیم و این آگاهی حاصل شد که هر تغییر درروند سیاسی یک کشور بر اقتصاد هنر تأثیری انکارناپذیر دارد. کشوری همچون ایران که طی ادوار پیشین خود هیچ گاه ثبات اقتصادی را تجربه نکرده است، باید به دنبال راه‌حلی برای مواجهه با چنین مسئله‌ی مهمی باشد. ازآنجاکه همراه با هر کالای دیگری، مواد و متریال هنری با افزایش قیمت مواجه می‌شود، هنرمند برخلاف بسیاری مشاغل و فعالیت‌های دیگر، بازده مالی آن‌چنانی از طرف بازار هنری نمی‌بیند و بیشتر اوقات خلق هنر دلخواه و در نگاه خود "والا" را رها کرده و به نیازهای بازار نگاه می‌اندازد، که البته در این مورد هیچ جای ملامتی نیست. اما یکی از راه‌حل‌های ساده و کارساز در این فضا، آشنایی شیوه سرمایه‌گذاری در بازار هنری به بخش بورژوا و تشویق آنان برای فعالیت در این عرصه است. چراکه فعالیت طولانی‌مدت هنرمندان و آفرینش اثر، حتی اگر از لحاظ مادی ثمره‌ای کوچک به همراه داشته باشد، می‌توان آن را تشویقی برای رشد و فعالیت‌های بیشتر هنرمند انگاشت. بنابراین قشر مرفه جامعه که به دلیل روند غیرطبیعی اقتصاد کشور ازنظر مالی همچنان شیب سعودی را طی می کنند، می‌توانند با حتی سرمایه‌گذاری اندک در این حوضه، هم به جامعه هنری و هم به هنرمند کمک شایانی نمایند. در شماره‌های بعد به چگونگی انتخاب درست یک اثر برای برداشتن گامی مثبت در دنیای هنر و تأثیرات آن خواهیم پرداخت.